

مقدمه

بانکداری بدون ربا به واسطه عدم تعیین نرخ سود قطعی و وجود رابطه بین بازارهای مالی و بخش واقعی اقتصاد، از بروز بحران‌های پولی در امان است (صادقی و آسایش، ۱۳۹۲). براساس نظریات اقتصاد اسلامی و مطالعات انجام‌شده، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش تولید، و کاهش تورم نیز از نتایج و اهداف استقرار نظام بانکداری اسلامی است.

شهید صدر در زمینه چگونگی طراحی بانکداری بر اساس نگرش اسلامی بین دو شیوه ایجاد بانکداری کاملاً اسلامی و بانکداری فاقد شبهه ربوی تفکیک می‌نماید. حالت دوم زمانی است که نتوانیم وضع موجود را کاملاً اسلامی کنیم. در این صورت، نقاط منفی شیوه بانکداری متعارف (ربوی بودن) حذف شده و مبادلات پولی با توجه به احکام شرعی سامان می‌یابد. ایشان روش دوم را پیشنهاد می‌کنند؛ چرا که اجرای روش اول نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در ساختار و بنیان بانکداری است، که تحقق آن به سادگی ممکن نیست. از این‌رو، شهید صدر ایده بانکداری بدون ربا را مطرح ساخت (سایت رسمی بانک ملی ایران).

در جمهوری اسلامی ایران، قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در سال ۱۳۶۲ تصویب شد. براساس ماده یک این قانون، نظام بانکی ایران به دنبال اهدافی چون استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت، ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه، حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها می‌باشد.

هرچند بانک‌های کشور از سال ۱۳۶۲ به بعد، بر اساس این قانون اداره می‌شوند، تردیدهایی در مورد اجرای قانون و تاثیر مثبت آن بر تحقق اهداف بالا از جمله رشد اقتصادی وجود دارد. نتایج بررسی مصمصامی و توکلی (۱۳۹۱)، اثرات مثبت نظام بانکی کشور بر متغیرهایی همچون رشد را تأیید نکرده است. در این مقاله، به بررسی این سوال می‌پردازیم که آیا اساساً اجرای قانون «عملیات بانکی بدون ربا» و دستیابی به اهداف آن از دغدغه‌های سیستم بانکی بوده است؟ فرضیه مقاله این است که از زمان تصویب قانون مزبور در سال ۱۳۶۳ تا کنون، نظام بانکی دغدغه اجرای آن را نداشته است. برای ارزیابی این فرضیه، از روش «تحلیل سلسله‌مراتبی» در ارزیابی پرسش‌نامه‌های حاکی از نظرات ۳۱۶ تن از متخصصان بانکی دارای سابقه بالا و مدارک دانشگاهی استفاده شده است.

اجرای قانون «بانکداری بدون ربا»؛
حلقه‌ای مفقوده در اهداف نظام بانکی ایران

hamid_asaiesh@yahoo.com
hoseinie@modares.ac.ir
sahabi_b@modares.ac.ir

حمید آسایش / مربی دانشگاه آیت‌الله بروجردی
سیدابراهیم حسینی نسب / دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
بهرام سحابی / استادیار دانشگاه تربیت مدرس
دریافت: ۱۳۹۴/۲/۱۳ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۷

چکیده

هرچند تصویب قانون «عملیات بانکداری بدون ربا» در ایران زمینه حرکت به سوی بانکداری اسلامی را فراهم ساخت، ولی در عمل، مشکلاتی در اجرای آن به چشم می‌خورد. نتایج برخی تحقیقات تأثیر مثبت بانکداری بدون ربا در ایران بر متغیرهایی همچون رشد اقتصادی را تأیید نمی‌کند. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا اجرای قانون «عملیات بانکداری بدون ربا» از دغدغه‌های نظام بانکی کشور هست؟ فرضیه مقاله این است که از زمان تصویب قانون مزبور در سال ۱۳۶۳ تا کنون، نظام بانکی دغدغه اجرای آن را نداشته است. برای ارزیابی این فرضیه، از روش «تحلیل سلسله‌مراتبی» در ارزیابی پرسش‌نامه‌های حاکی از نظرات ۳۱۶ تن از متخصصان بانکی دارای سابقه بالا و مدارک دانشگاهی استفاده شده است. نتایج این ارزیابی حاکی از آن است که در هیچ‌یک از بانک‌های کشور به اجرای عملیات بانکداری بدون ربا و تحقق اهداف آن توجه نشده است. اصلاح این روند نیازمند تقویت آموزش بانکداری اسلامی و فرهنگ‌سازی اجرای قانون است.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، تحلیل سلسله‌مراتبی، قانون «عملیات بانکداری بدون ربا».
طبقه‌بندی JEL: G24, R5, P4.

نگاهی اجمالی به بانک و بانکداری پس از انقلاب اسلامی ایران

در سال ۱۳۵۷ و همزمان با وقوع انقلاب اسلامی، ۳۶ بانک در نظام بانکی کشور فعالیت داشتند. از این تعداد بانک فعال، ۷ بانک فعالیت‌های تخصصی، ۲۶ بانک فعالیت‌های تجاری و ۳ بانک دیگر فعالیت‌های منطقه‌ای داشتند که از نظر مالکیت، به سه بخش دولتی، خصوصی و مختلط (مشارکت سرمایه ایرانی و خارجی) تقسیم می‌شدند (سلطانی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

با پیروزی انقلاب اسلامی، اصول حاکم بر نظام اقتصاد اسلامی، ایجاد می‌کرد که در ساختار اقتصادی موجود، تغییرات مبنایی صورت گیرد و نظام بانکداری، که به عنوان یکی از ارکان اساسی اقتصاد محسوب می‌گردد، اصلاح شود. باید توجه شود که پس از انقلاب اسلامی، به علل متعدد، از جمله مسائل سیاسی ناشی از انقلاب، متواری شدن بسیاری از سرمایه‌داران و مؤسسان بانک‌های خصوصی، کاهش دارایی‌های بیشتر بانک‌ها به علت وصول نشدن مطالبات، انکای بیش از حد به بانک‌ها، به‌ویژه بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی در تأمین نقدینگی لازم، وضعیتی را به وجود آورده بود که بیشتر بانک‌ها با خطر ورشکستگی مواجه شده بودند. برای مقابله با وضعیت موجود و همچنین لزوم حاکمیت احکام شرعی در کشور، به‌ویژه در نظام بانکی، ایجاد تغییرات اساسی در نظام بانکی اجتناب‌ناپذیر بود. بنابراین، این تغییرات زیر در نظام بانکی ایجاد گردید: (بانک مرکزی، ۱۳۷۳):

۱. ملی کردن بانک‌ها در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۷ و تصویب لایحه اداره امور بانک‌ها در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۳؛

۲. ادغام بانک‌ها؛ به موجب مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجمع عمومی بانک‌ها، طرح «ادغام بانک‌ها» از ابتدای سال ۱۳۵۹ اجرا شد و بدین‌سان، مجموع بانک‌ها از ۳۶ بانک به ۹ واحد (۶ بانک تجاری و ۳ بانک تخصصی) تقلیل یافت.

۳. برقراری سود تضمین‌شده و کارمزد به عنوان اقدامات اولیه به‌منظور حذف بهره؛

۴. تصویب قانون «عملیات بانکی بدون ربا»؛

مهم‌ترین اقدام عملی برای حذف بهره از نظام بانکی، تصویب قانون «عملیات بانکی بدون ربا» و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۶۳ در تمام بانک‌های کشور بود. قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، که در واقع، چارچوب نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌کند، در پنج فصل و ۲۷ ماده تدوین شده است.

فصل اول این قانون تحت عنوان «اهداف و وظایف نظام بانکی در ج.ا.ایران»، استقرار نظام پولی اعتباری را بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در

جهت سلامت و رشد اقتصادی کشور (بند ۱ ماده اول قانون عملیات بانکی بدون ربا)، که در واقع شالوده و هسته مرکزی نظام بانکی جدید را تشکیل می‌دهد، استوار ساخته و نیز بر هماهنگ ساختن سیاست پولی و اعتباری با مجموعه سیاست‌های اقتصادی دولت و ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه در توجیه محورهای اساسی نظام بانکی بدون ربا تأکید دارد.

هریک از بانک‌ها دارای اساس‌نامه‌ای است که پس از تأیید شورای عالی بانک‌ها به تصویب مجمع عمومی آنها رسیده است. این اساس‌نامه باید منطبق با قانون «عملیات بانکی بدون ربا» باشد؛

۵. تأسیس مؤسسات اعتباری غیربانکی مطابق بند (ه) ماده ۳۱ قانون «پولی و بانکی کشور»، مصوب ۱۳۵۱؛

۶. تشکیل بانک‌های خصوصی؛ براساس ماده واحده قانون «اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی» به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱؛

۷. خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ براساس سیاست‌های ابلاغی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون و تصویب قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۸ در مجلس شورای اسلامی و مصوب در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ در مجمع تشخیص مصلحت نظام.

اهداف نظام بانکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا

برخی از اهداف نظام بانکی کشور به موجب ماده (۱) فصل اول قانون «عملیات بانکی بدون ربا» عبارت است از:

- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور؛

- فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران با ابزارهای پولی و اعتباری؛

- ایجاد تسهیلات لازم به‌منظور گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه؛

- تسهیل در امور پرداخت‌ها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون بر عهده بانک گذاشته می‌شود.

باید توجه داشت که بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی به منظور تداوم فعالیت‌ها، نیازمند کسب درآمد و سودآوری برای پوشش هزینه‌های خود است. در این زمینه اگرچه حداکثرسازی سود سهام‌داران برای بانک‌های غیردولتی یک هدف محسوب می‌شود، لیکن برای بانک‌های دولتی این امر مصداق ندارد و هم‌راستای با سیاست‌های اقتصادی دولت، به عنوان سهامدار بانک، رسالت اصلی بانک‌های دولتی به‌شمار می‌آید (فاتحی و شرقی، ۱۳۹۰، ص ۹).

پیشینه پژوهش

درخصوص اثر اجرای «بانکداری اسلامی» بر رشد اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی، تحقیقات گوناگونی در داخل و خارج با روش «رگرسیون» و «عددی» انجام شده، اما تحقیق مشابه تحقیق حاضر در داخل انجام نشده است:

الف. مطالعات خارجی

آیونیا و همکاران او (۲۰۱۳) در تحقیق خود، تأثیر عملکرد بانک‌های اسلامی بر دو متغیر مهم اقتصاد کلان، یعنی «درآمدها» و «تورم» را با استفاده از تجزیه و تحلیل VAR / VECM بررسی کردند. این پژوهش با داده‌های ماهانه شاخص صنعتی تولید، شاخص قیمت مصرف کننده، کل سپرده اسلامی و بازگشت آن، تأمین مالی کل اسلامی و بازگشت آن، پول در گردش، و گواهی مرکزی بانک اسلامی، از ژانویه ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تمام متغیرهای اسلامی تأثیر قابل توجهی بر رشد بخش واقعی دارد و هیچ‌یک از متغیرها اثری بر تورم ندارند.

ابدو چوداری (۲۰۱۲) مطالعه‌ای با هدف بررسی درازمدت و رابطه پویا بین توسعه بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در بنگلادش انجام داد. داده‌های زمانی سه‌ماهه از رشد اقتصادی، تأمین منابع مالی کل و مجموع سپرده‌های بانکی اسلامی از فصل اول سال ۲۰۰۴ تا فصل دوم سال ۲۰۱۱ در این مطالعه استفاده شد. با استفاده از هم‌انباشتگی و روش «علیت» گرنجر، تأمین مالی بانک اسلامی در برداشت به یک رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی هر دو در درازمدت و کوتاه است. این نشان می‌دهد که توسعه بانکداری اسلامی از سیاست‌هایی است که باید توسط دولت برای بهبود درآمد خود در نظر گرفته شود.

حسن و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «توسعه مالی و رشد اقتصادی: تجربیات جدیدی از تابلویی با تقسیم‌بندی کشورها و در نظر گرفتن مناطق جغرافیایی آنها»، به این نتیجه رسیدند

که رابطه‌ای دوسویه بین رشد اقتصادی و توسعه مالی وجود دارد. اما در برخی مناطق، که درآمد سرانه پایین است، این رابطه از سمت توسعه مالی به سمت رشد اقتصادی است.

ب. مطالعات داخلی

صمصامی و توکلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای این فرضیه را مطرح می‌کنند که ابلاغ قانون «عملیات بانکی بدون ربا» در جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۱۳۶۳ تأثیری در تحقق اهداف قابل انتظار نداشته است. نتایج این بررسی، که با استفاده از روش «رگرسیون» انجام شده است، نشان می‌دهد که ابلاغ قانون مزبور اثر معناداری بر متغیرهای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران نداشته است. در این مقاله، تنها اثر تسهیلات بانکی بررسی شده و به سایر ابعاد بانکی توجه نشده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که این ناکارآمدی به سبب عمل نکردن به مفاد قانون است.

مجتهد و حسن‌زاده (۱۳۸۴)، در کتاب *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، چالش‌های اجرایی، قانونی و مدیریتی نظام بانکداری بدون ربا در ایران را بررسی کرده‌اند. طبق این تحقیق، برخی از چالش‌ها و مشکل‌های بانکداری بدون ربا در ایران عبارتند از:

- صوری بودن بخشی از عملیات بانکی به علت تبدیل شدن تمام عملیات بانکی به عقودهای معاملاتی؛

- پایین بودن میزان گرایش بانک‌ها به مشارکت واقعی در طرح‌ها و گرایش بیشتر به عقودهای معاملاتی؛ مثل فروش اقساطی به جای عقود مشارکتی؛ مانند عقد مضاربه و مشارکت؛

- فقدان نظام حسابداری کارآمد و استاندارد؛

- نپرداختن سود واقعی به سپرده‌گذاران؛

- عدم تمایل به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری از طرف بانک و عدم مشارکت بانک در طرح‌های سرمایه‌گذاری؛

- نبود روش مناسبی برای تمدید زمان بازپرداخت تسهیلات بانکی؛

- ضعف نظام نظارتی و بازرسی کارآمد؛

- ضعف توان و نبود کارشناسان متخصص در بانک‌ها برای تعیین طرح‌های دارای توجیه فنی و

اقتصادی بالا؛

- فقدان اعتقاد جامعه به اسلامی بودن عملیات بانکی.

جزئی‌تر در قسمت‌های پایین‌تر سلسله‌مراتب قرار گیرند. در انتهای سلسله‌مراتب نیز گزینه‌های نهایی تصمیم‌گیری یا اهداف مورد ارزیابی می‌شوند. این فرایند با محاسبه اولویت‌ها یا وزن‌های نسبی در هر سطح از سلسله‌مراتب، رتبه کلی یا سراسری هریک از گزینه‌های تصمیم یا اهداف ارزیابی را تعیین می‌کند.

فرایند «تحلیل سلسله‌مراتبی» مشتمل بر تشکیل درخت سلسله‌مراتبی، مقایسه زوجی جایگزین‌ها و معیارهای تحقیق، عملیات محاسبه داده‌ها، و تحلیل حساسیت و نرخ ناسازگاری آن‌ها است.

الگوهای اثربخشی

الگوهای گوناگونی برای بررسی میزان اثربخشی وجود دارد. تنوع الگوها به سبب ماهیت مفهوم «اثربخشی»، به ویژه مرزهای نامشخص آن و به سبب مفهومی‌سازی‌های متنوع سازمان‌هایی است که الگوهای گوناگون اثربخشی را به کار می‌گیرند. برخی از الگوهای اثربخشی عبارتند از:

۱. الگوی «هدف» که اثربخشی را به عنوان تحقق کامل یا دست‌کم بخشی از اهداف سازمان تعریف می‌کند (مارتز، ۲۰۰۸، ص ۱۳). در این الگو، تمرکز به‌طور زیادی بر رسیدن به اهداف و مقاصد است (هنری، ۲۰۰۴، ص ۹۸). معمولاً سازمان‌ها عملکرد خود را برحسب سودآوری، رشد، سهم بازار و بازده سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری می‌کنند (دفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۶).

۲. الگوی «سیستمی» که بر ابزارهای لازم برای رسیدن به اهداف خاص، کسب منابع و فرایندها تمرکز دارد (هنری، ۲۰۰۴). در این رویکرد، اثربخشی مستلزم آگاهی و تعامل مؤثر با عوامل محیطی است (رایبیز، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

۳. الگوی «ذی‌نفعان استراتژیک» با اضافه کردن انتظارات گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند، که تحت تأثیر سازمان قرار دارند، حیطه دو الگو قبلی را توسعه و گسترش می‌دهد (مارتز، ۲۰۰۸، ص ۱۴).

۴. الگوی «ارزش‌های رقابتی» استدلال می‌کند که عناصر مشترکی وجود دارند که در فهرستی از معیارهای اثربخش قرار گرفته‌اند و می‌توانند به‌شیوه‌ای باهم ترکیب شوند و مجموعه‌ای از ارزش‌های رقابتی را ایجاد کنند. هرکدام از این مجموعه ارزش‌ها، الگوی اثربخشی منحصر به فردی را تعریف می‌کند (رایبیز، ۱۳۸۱، ص ۵۹).

۵. الگوی «عدم اثربخشی» که در آن اثربخشی سازمانی به‌عنوان نبود عوامل اثربخشی تعریف شده است (هنری، ۲۰۰۴، ص ۹۸).

محدودیت‌های عقده‌ها در اعطای تسهیلات (به علت نبود نظام اطلاعاتی منسجم)

موسویان (۱۳۸۰) در نقد و بررسی قانون «عملیات بانکی بدون ربا» بیان می‌دارد که قانون مزبور، در ایران، گرچه اشکال خاص فقهی ندارد و منطبق با فقه مشهور شیعه است، اما عملکرد بیش از بیست سال آن بیانگر برخی اشکالات کارشناسی است؛ از قبیل:

۱. ابهام در تعریف و جایگاه بانک؛
 ۲. ناهماهنگی سپرده‌های بانکی با اهداف و روحیات سپرده‌گذاران؛
 ۳. ناهماهنگی شیوه‌های اعطای تسهیلات با ماهیت بانک و اهداف متقاضیان تسهیلات.
- در این مقاله، با ارائه تعریفی روشن از بانک اسلامی (بدون ربا) و ترسیم جایگاه آن در میان مؤسسه‌های پولی و مالی، با توجه به اهداف و انگیزه‌های سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات بانکی، در بخش تجهیز و تخصیص منابع تجدیدنظرشده، قراردادهای هماهنگی پیشنهاد شده است. مقاله حاضر به منظور بهبود مطالعات قبلی، به بررسی میزان دغدغه نظام بانکی کشور نسبت به اجرای قانون بانکداری بدون ربا و تحقق اهداف آن می‌پردازد. این بررسی با استفاده از نظریات تن از متخصصان بانکی دارای سابقه بالا و مدارک دانشگاهی استفاده می‌شود.

روش تحقیق

روش «تحلیل سلسله‌مراتبی» (AHP: Analytical Hierarchy Process) که اولین بار توسط توماس ال ساعتی در ۱۹۸۰ مطرح شد، بر اساس مقایسه‌های زوجی بنا شده و امکان بررسی طرح‌های گوناگونی را به مدیران می‌دهد. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده به بخش‌های کوچک‌تر آن تجزیه شده و سپس این اجزا در یک ساختار سلسله‌مراتبی قرار می‌گیرد. این فرایند شیوه‌ای برای سامان‌دهی اطلاعات و قضاوت‌ها و به کار بردن آنها در تصمیم‌گیری براساس توانایی، احساسات و منطق موضوع ارائه می‌دهد. پس از آن، قضاوت‌ها را در قالب نتیجه‌ای با هم ترکیب می‌کند که با انتظارات درونی همخوانی دارد. از این فرایند، برای طبقه‌بندی گزینه‌ها و تخصیص منابع می‌توان استفاده کرد (ساعتی، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

برای استفاده از این فرایند، تحلیلگر باید هدف کلی را مشخص نماید و معیارهای دستیابی به آن هدف را انتخاب کند. فرایند «تحلیل» مستلزم آن است که تحلیلگر مقایسه‌ای ذهنی درباره اهمیت نسبی معیارهای گوناگون برای دستیابی به هدف کلی انجام دهد. سپس تحلیلگر باید سلسله‌مراتبی از معیارهای تصمیم‌گیری یا عوامل مؤثر بر تصمیم ایجاد کند، به گونه‌ای که عوامل یا معیارهای خاص‌تر یا

به‌کارگیری یک معیار واحد برای اثربخشی نظام بانکی مناسب نیست و هیچ معیار واحدی وجود ندارد که بتواند اهداف همه بانک‌ها را برآورده سازد، به‌ویژه آنکه اهداف آنها رقابتی و متفاوت از یکدیگر باشد. این امر مستلزم شناسایی معیارهای سنجش اثربخشی، ترکیب معیارها با یکدیگر به گونه‌ای متناسب با اهداف بانک‌ها و در نتیجه استنتاج ترکیبی از معیارهای مناسب اثربخشی است. از این رو، در این تحقیق، با استفاده از نظر «ادغامی» متخصصان و خبرگان، الگوی «اثربخشی» استخراج می‌شود (کریتنر و کینیکی، ۱۳۸۶، ص ۵۴۶).

معیارهای اولیه سنجش اثربخشی

معیارهای گوناگونی برای اثربخشی مدنظر است که به وسیله متخصصان عملکردها اولویت‌بندی خواهند گردید. برخی از معیارها عبارتند از:

الف. معیار فعالیت: در این معیار اثربخشی، هر فعالیتی که تحت عنوان «ستانده بانکی» به نحوی منابع بانک را جذب می‌کند، باید به عنوان فعالیت بانکی اندازه‌گیری شود.

ب. معیار واسطه‌گری: در این معیار، دارایی‌های بانک مبنای تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ابتدا فعالیت‌هایی را که اختصاصاً «فعالیت بانکی» به‌شمار می‌آید - مثل دارایی‌های ایجادشده بانکی - به عنوان «ستانده» و سایر فعالیت‌ها صرفاً «داده‌های» مالی تلقی می‌شود.

ج. معیار درآمدی: نهادها شامل سپرده‌های دیداری و دیگر موجودی‌ها (دیون بانکی) و منابع واقعی (نیروی کار و سرمایه فیزیکی) است. ستانده‌ها شامل دارایی‌های به‌دست‌آمده از قبیل وام‌ها و سرمایه‌گذاری است. در این نظریه، سپرده مشتریان نیز به عنوان یک داده به‌شمار می‌آید.

د. معیار هزینه مصرف‌کننده: براساس این معیار، نسبت تقسیم خالص هر تولید مالی به درآمد بانک، تعیین‌کننده نهاد یا یک ستانده بودن آن است.

ه. معیار سهم از ارزش افزوده: طبق این معیار، به سپرده‌ها به صورت یک ستانده توجه می‌شود؛ زیرا آنها سهم عمده‌ای از ارزش افزوده را شکل می‌دهند.

و. معیار عملیاتی (نظریه براساس درآمد): عقیده بر آن است که بانک‌ها مثل واحدهای تجاری با اهداف مالی کسب درآمد برای اداره کردن امور تجاری، هزینه کل متحمل می‌شوند (ضرر می‌بینند).

براین اساس، درآمد کل (بهره‌ای یا غیربهره‌ای) ستانده بانک و مخارج کل (بهره‌ای و مخارج عملیاتی) نهاد بانک در نظر گرفته می‌شوند.

ز. معیار هزینه کاربری: با توجه به تابع سود بانک، هر فعالیت خالص بانکی، که از نظر تجربی، مورد توجه قرار گیرد، می‌تواند به عنوان نهاد به‌کار گرفته شود.

ح. معیار مالی: در این معیار، اندازه‌گیری عملکرد بانکی با توجه به وظایفی بانک نه به عنوان یک واسطه مطلق، بلکه به‌عنوان یک مؤسسه مدیریت‌کننده سبد دارایی‌ها، صورت می‌گیرد.

ط. معیار سودآوری: هدف از کاربرد نسبت‌های سودآوری تعیین میزان موفقیت واحد تجاری در کسب سود است. این نسبت‌ها توانایی مدیران را در به‌کارگیری منابع در اختیار سازمان نشان می‌دهند (حجاری و حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۰).

ی. معیار کاهش ریسک اعتباری: «ریسک اعتباری» بیانگر احتمال عدم بازگشت منابع بانک توسط بدهکاران است. بانک‌ها هنگامی با این ریسک مواجه می‌شوند که گیرنده تسهیلات به علت ناتوانی یا بی‌میلی، در سررسید، به تعهدات خود در قبال بانک عمل نمی‌کند.

ک. معیار کاهش ریسک نرخ سود: این ریسک از نوسانات نرخ سود ناشی می‌شود که بر ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های مالی یک بانک تأثیر می‌گذارد. برای اندازه‌گیری ریسک نرخ سود از نسبت سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت به دارایی‌های بلندمدت استفاده می‌شود.

ل. معیار کاهش ریسک نقدینگی: «ریسک نقدینگی» بمعنای احتمال عدم توانایی در ایفای تعهدات کوتاه‌مدت است. در بانک‌ها، ریسک نقدینگی در اثر ناتوانی در پرداخت و کاهش بدهی‌ها یا تأمین منابع برای افزایش دارایی‌ها به‌وجود می‌آید. شاخص‌های قابل استفاده در این بخش، شامل نسبت‌های وجوه آماده به وام به کل سپرده‌ها، نقدینگی به مجموع دارایی‌ها، کل تسهیلات به مجموع دارایی‌ها، مجموع سپرده‌های صد مشتری برتر به کل سپرده‌ها و مجموع صد سپرده کلان به کل سپرده‌هاست.

م. معیار تحقق قانون: این معیار میزان رعایت اهداف قانون «عملیات بانکی بدون ربا» به عنوان فلسفه وجودی بانک‌ها در ایران، را می‌سنجد. اهداف بانک‌ها در نظام بانکی عبارت است از: سلامت اقتصاد کشور، رشد اقتصادی کشور، جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها، ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و رسیدن به اشتغال کامل، تسهیل مبادلات بازرگانی، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها، حفظ ارزش پول، و تسهیل در امور پرداخت‌ها.

تعیین الگوی نهایی اثربخشی نظام بانکی ایران

در این تحقیق، معیارهای اثربخشی با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی تعیین می‌شود. برای این منظور، اولین گام تعیین حجم نمونه است. جدول یک، تعداد کارکنان صف و ستاد به تفکیک بانک‌های دولتی و دارای سهام دولتی (واگذار شده بر اساس اصل ۴۴) و بانک‌های خصوصی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: تعداد کارکنان نظام بانکی کشور به تفکیک گروه بانک

شرح	سال	
	۱۳۹۱	۱۳۹۲
تعداد کارکنان (نفر)	بانک‌های دارای سهام دولتی	۱۶۹/۰۴۸
	بانک‌های خصوصی	۱۶/۳۷۹
	کل بانک‌ها	۱۸۵/۰۹۷
		۱۳۹۲

منبع: دفتر امور بانکی، پولی و بیمه، ۱۳۹۳

از بین کارکنان نظام بانکی، تعداد ۹۷/۲۳۴ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی بوده و از بین آنها، تعداد ۸۷/۲۳۶ نفر سابقه بالای ۵ سال دارند. برای تعیین ارزش عددی اهمیت هر یک از معیارها، گروه قضاوت کارشناسی ۳۱۶ نفری به صورت تعمدی از افراد بالای ۵ سال سابقه و دارای مدرک دانشگاهی انتخاب شدند. در اینجا با استفاده از میانگین حسابی، میانگین هر یک از معیارها برای ۳۱۶ کارشناس دارای سابقه بالا و مدارک دانشگاهی محاسبه شد که نتایج به تفکیک بانک‌ها به شرح ذیل است:

جدول ۲: میانگین اهمیت شاخص‌ها از نظر خبرگان بانکی

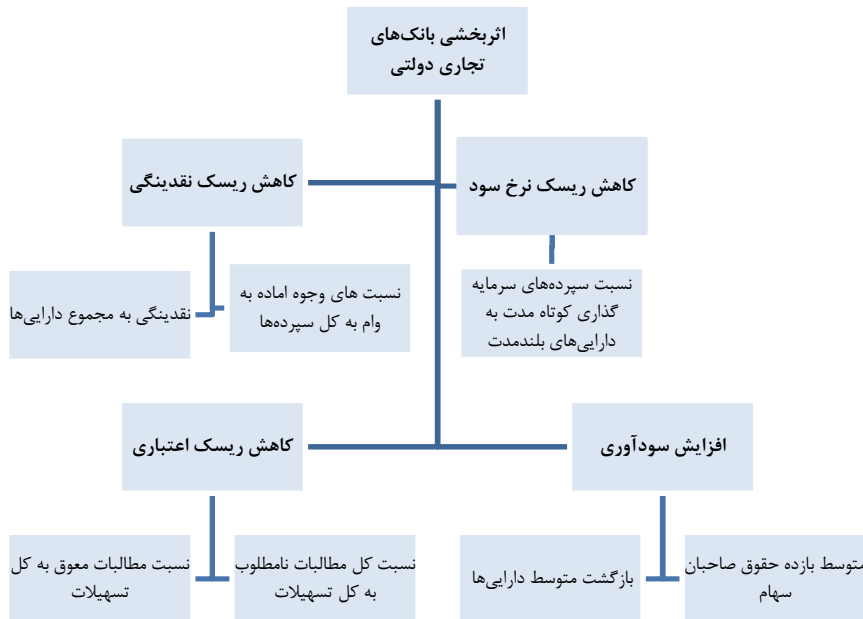
معیار	متوسط اهمیت در بانک‌های تجاری دولتی و دارای سهام دولتی	متوسط اهمیت در بانک‌های تخصصی دولتی	متوسط اهمیت در بانک‌های خصوصی
انجام فعالیت‌های معمول بانکی در تجهیز سرمایه	۵،۱	۶،۳	۶،۵
انجام واسطه‌گری بانکی (افزایش دارایی)	۶،۱	۶،۵	۵،۱
افزایش درآمد عملیاتی بانک	۵،۲	۵،۳	۵،۱
افزایش بازدهی مالی	۵،۴	۶،۰	۵،۸
افزایش سهم از ارزش افزوده	۶،۲	۵،۹	۵،۹
افزایش درآمد کلی بانک	۵،۱	۶،۱	۵،۱
معیار هزینه کاربری	۶،۰	۶،۶	۵،۸
مدیریت سبد دارایی‌ها	۶،۰	۶،۶	۵،۹
افزایش سودآوری	۹،۵	۷،۷	۹،۵
کاهش ریسک اعتباری	۷،۹	۸،۳	۹،۱

معیار	متوسط اهمیت در بانک‌های تجاری دولتی و دارای سهام دولتی	متوسط اهمیت در بانک‌های تخصصی دولتی	متوسط اهمیت در بانک‌های خصوصی
کاهش ریسک نرخ سود	۷،۹	۸،۸	۹،۲
کاهش ریسک نقدینگی	۸،۰	۸،۹	۹،۲
افزایش ارزش افزوده	۶،۸	۷،۹	۶،۰
تحقق اهداف قانون «عملیات بانکی بدون ربا»	۶،۱	۵،۹	۵،۳

منبع: محاسبات تحقیق

بررسی روایی و پایایی پرسش‌نامه نیز حاکی از سازگاری آن به سبب کمتر بودن نرخ آن از ۰/۱ است. همچنین پایایی آن در سطح مناسبی است؛ زیرا ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۷ است. در نهایت، معیارها براساس مجموعه متوسط معیارهایی که ارزش عددی ۷ و بالاتر دارند، انتخاب شدند. با ثبت اعتبار و امتیاز شاخص‌های معیارهای انتخابی، اهداف بانک‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری به قرار ذیل است:

شکل ۱: معیارهای اثربخشی بانک‌های تجاری دولتی



جدول ۳، اولویت‌بندی اهداف مقبول، بر اساس بررسی‌های زوجی را نشان می‌دهد. در بررسی صورت گرفته، زیرمعیارها نیز اولویت‌بندی شدند که بررسی نتایج آن در این مقاله نمی‌گنجد.

جدول ۳: تعیین اولویت اهداف در سیستم بانکی

اولویت معیار در بانک های		معیار
تجاری دولتی	تخصصی دولتی	
اول	اول	افزایش سودآوری
سوم	دوم	کاهش ریسک اعتباری
چهارم	چهارم	کاهش ریسک نرخ سود
دوم	سوم	کاهش ریسک نقدینگی
-	پنجم	افزایش ارزش افزوده بخش اقتصادی

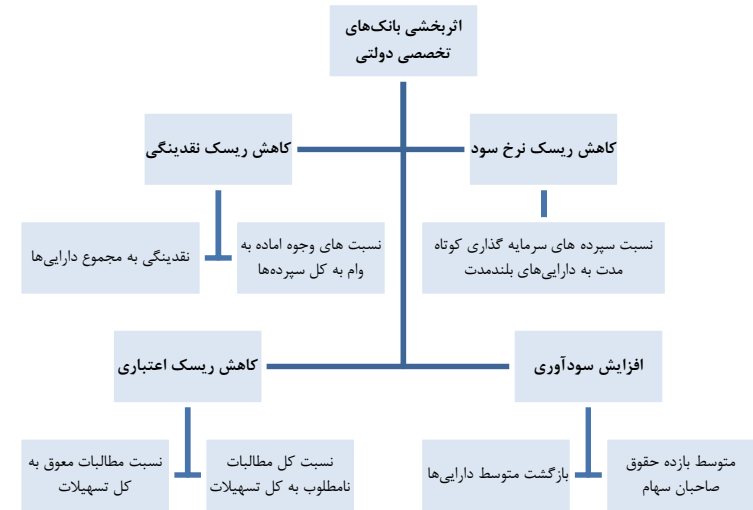
منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که افزایش سودآوری، کاهش ریسک اعتباری، کاهش ریسک نرخ سود، کاهش ریسک نقدینگی و افزایش ارزش افزوده بخش اقتصادی اولویت‌های بانک‌های کشور را تشکیل می‌دهند. این بدان معنا است که اجرای «عملیات بانکی بدون ربا» در میان اولویت‌های نظام بانکی کشور نیست.

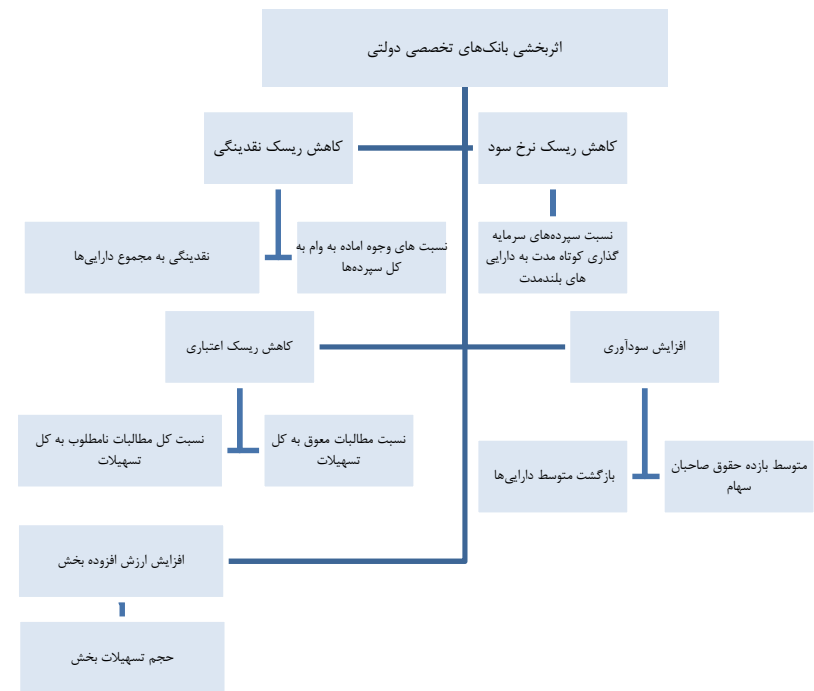
بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، عدم اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا متأثر از عواملی همچون فقدان فرهنگ‌سازی و آموزش صحیح عملیات بانکی مبتنی بر نظام پولی اسلامی است. به همین سبب، بیشتر مردم و کارگزاران نظام بانکی با پذیرش صوری قانون، برداشت‌های سنتی از عملیات بانکی و تجارب قبلی راه، که به آن عمل کرده بودند، به اجرا گذاشتند. پس از گذشت سال‌ها از تصویب قانون «عملیات بانکی بدون ربا»، هنوز هم این باور در بسیاری از مردم و کارگزاران ذی‌ربط به وجود نیامده است و در عمل به گونه‌ای رفتار می‌شود که با روح و جوهره بانکداری غیرربوی سازگاری ندارد. بنابراین، تا وقتی حذف ربا در اعتقاد و باور واقعی مردم و متخصصان بانکی نهادینه نگردد، مصادیق ربا به درستی و به طور کامل، از بین نخواهد رفت (صمصامی و توکلی، ۱۳۹۱؛ مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴؛ موسویان، ۱۳۸۰).

به اعتقاد صمصامی و داودی (۱۳۸۹)، نظام بانکی کشور که محصول ادغام ۳۶ بانک ربوی پیش از انقلاب است، دچار تحول اساسی در نظامات تجهیز و تخصیص منابع نشده و در بسیاری از موارد

شکل ۲: معیارهای اثربخشی بانک‌های تخصصی دولتی



شکل ۳: معیارهای اثربخشی بانک‌های تخصصی دولتی



کارکردی ربوی دارد. به نظر آن‌ها، بیشتر بانکداران به تحصیل سود گرایش دارند و به همین خاطر مدیریت بانکی را به مفهوم سوددهی محض و نه کارایی می‌دانند.

عدم موفقیت در اجرای قانون «عملیات بانکی بدون ربا» ریشه در عواملی همچون نحوه عمل بانک‌ها در احتساب سود تسهیلات اعطایی دارد. سود ثابت و از پیش تعیین شده در ابتدای انعقاد قرارداد و عدم تغییر آن تحت عنوان «حداقل سود مورد انتظار»، این سود را همانند نرخ بهره در بانکداری ربوی ساخته است. این نحوه تعیین سود، حاکی از بی‌میلی بانک‌ها به ریسک‌پذیری در فعالیت‌های اقتصادی است. از این‌رو، کارکنان و کارمندان بانک‌ها از یک‌سو، و سپرده‌گذاران و متقاضیان دریافت تسهیلات از سوی دیگر، نیز رفتارهایی مشابه رفتارهای موجود در بانک ربوی داشته باشند و سود دریافتی (بابت سپرده‌ها) و پرداختی (بابت تسهیلات) را به عنوان بهره تلقی نمایند. این امر تا آنجا گسترش یافته است که حتی مدیران ارشد نظام بانکی و سایر فعالان اقتصادی نیز همواره از نرخ بهره دریافتی و پرداختی سخن به میان می‌آورند.

حسابداری نظام بانکی کشور نیز مشابه حسابداری بانکداری ربوی است. بانک‌ها علیرغم این که وکیل صاحبان سپرده بوده و به آن‌ها حق‌الوکاله تعلق می‌گیرد؛ سود دریافتی از گیرندگان تسهیلات را به عنوان درآمد بانک ثبت می‌کنند. مشتریان بانکی نیز ترازنامه خود، سود پرداختی به بانک‌ها را در ردیف هزینه‌های مالی ثبت می‌کنند. در گزارش‌های توجیهی اقتصادی - فنی طرح‌ها نیز مبالغ پرداختی به بانک تحت عنوان هزینه‌های مالی و نه سهم سود شریک محاسبه و ارزیابی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق با استفاده از روش سلسله‌مراتبی به بررسی دیدگاه‌های ۳۱۶ نفر از متخصصان بانکی در مورد اهداف و دغدغه‌های نظام بانکی کشور پرداختیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بانک‌های کشور از ابتدای ابلاغ قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تا کنون، توجهی به تحقق اهداف قانون «عملیات بانکی بدون ربا» نداشته‌اند. در مقابل، بانک‌های مزبور به دنبال اهدافی مشابه اهداف بانک‌های متعارف از جمله افزایش سودآوری و کاهش ریسک‌های بانکی بوده‌اند.

عدم دغدغه نسبت به اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را می‌توان به عوامل متعددی از جمله تنوع فعالیت‌ها، محدودیت منابع، تعدد مراجع نظارتی، ضعف نظام‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری، ضعف آگاهی‌ها و آموزش‌ها، و در نهایت، شیوه مدیریت بانکی نسبت داد. از جمله راه‌کارهای مهم جهت افزایش دغدغه نسبت به اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌توان به آموزش بانکداری

اسلامی برای عامه مردم و کارگزاران بانکی، تقویت باور به کارایی نظام بانکداری اسلامی و همچنین گسترش ابزارهای بانکی برای پوشش نیازهای گوناگون مردم و صنایع اشاره کرد. بازنگری در قانون با توجه به نظریات متخصصان بانکی نیز می‌تواند به تحقق اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا کمک نماید.

اداره بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۷۳، *خلاصه تحولات اقتصادی کشور*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
حجازی، رضوان و عارفه حسینی، ۱۳۹۰، «مقایسه رابطه ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی با معیارهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران»، *پژوهشنامه اقتصادی*، ص ۲۳۷-۲۶۲.
دفت، ریچارد ال، ۱۳۸۸، *تئوری سازمان و طراحی ساختار*، علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

دفتر امور بانکی، پولی و بیمه، ۱۳۹۳، «عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی اسفندماه ۱۳۹۲»، *بانک، معاونت امور بانکی، بیمه و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی*، ش ۳۶.

راینز، استیفن پی، ۱۳۸۱، *تئوری سازمان: ساختار، طراحی، کاربردها*، سیدمهدی الوانی و حسن دانائی فرد، چ پنجم، تهران، صفا. ساعتی، توماس ال، ۱۳۷۸، *تصمیم‌گیری برای مدیران*، ترجمه توفیق علی اصغر، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

سلطانی، محمد، ۱۳۹۰، *حقوق بانکی*، تهران، میزان.

صادقی، حسین، آسایش، حمید، ۱۳۹۲، «بررسی عملیاتی شدن بانکداری بدون ربا در ایران از دیدگاه مشتریان»، *همایش آسیب شناسی نهادهای مالی در اقتصاد اسلامی*، دانشگاه سمنان.

صمصامی، حسین، توکلی، امیر حسین، ۱۳۹۱، «اثر اجرای بانکداری بدون ربا بر سرمایه گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶.

صمصامی، حسین، داودی، پرویز، ۱۳۸۹، *به سوی حذف ربا از نظام بانکی (از نظریه تا عمل)*، تهران، دانایی توانایی.

فاتحی، زمانعلی و فائزه شرفی، ۱۳۹۰، *نقش مدیریت شعب در تحقق اهداف بانک های دولتی و چالش های مرتبط با آن*، اداره تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه.

کریتنر، رابرت، کینیکی، آنجلو، ۱۳۸۶، *مدیریت رفتار سازمانی*، علی اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده، چ دوم، تهران، پیام پویا.

مجتهد، احمد، حسن زاده، علی، ۱۳۸۴، *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی ایران. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰، *بانکداری اسلامی*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.

Abduh M, Chowdhury N.T, 2012, "Does Islamic Banking Matter for Economic Growth in Bangladesh?", *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, V.8, N.3.

Ayuniyyah, Q, Syauqi, B., Dwi Arsyianti, L., 2013, "Dynamic Analysis of Islamic Bank and Monetary Instrument towards Real Output and Inflation in Indonesia", *Proceeding of Sharia Economics Conference- Hannover*.

Hassan, M., Sanchez, B., Yu J., 2011, "Financial Development and Economic Growth: New Evidence from Panel Data", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, V51, p. 104-88

Henri, J.F., 2004, "Performance Measurement and Organizational Effectiveness: Bridging the Gap", *Managerial Finance Journal*, V.30, p. 98.

Martz, W.A., 2008, "Evaluating organizational effectiveness", *Dissertation for the Degree of Doctor of Philosoph*, Western Michigan University

بررسی دوگان‌های تقدّم و جوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آنها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران

ک. عبدالمحمد کاشیان / دکترای اقتصاد دانشگاه امام صادق

احمد شعبانی / دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق

محمد مهدی عسگری / دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۴

چکیده

یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی تعیین رابطه بین مالیات‌های اسلامی و متعارف است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی این سوال می‌پردازیم که آیا مالیات‌های اسلامی همچون خمس و زکات، جانشین یا مکمل مالیات‌های متعارفند و در صورت مکمل بودن، کدام یک باید به‌عنوان درآمد اصلی و کدام یک به‌عنوان درآمد مکمل محسوب شوند؟ بنا به فرضیه مقاله، مالیات‌های متعارف مکمل مالیات‌های شرعی بوده و اصل اولیه در طراحی نظام مالیاتی، تقدم مالیات‌های شرعی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در نظام اسلامی، خمس و زکات مقدم بر مالیات‌های متعارف می‌باشند. در این چارچوب، مالیات‌های متعارف می‌توانند به‌صورت ثانوی و مکمل به درآمدهای حکومت اسلامی اضافه شوند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در شرایط کنونی اقتصاد ایران، هیچ کدام از این دو نوع مالیات نمی‌توانند جایگزین هم شوند.

کلیدواژه‌ها: خمس، زکات، مالیات، مالیات‌های شرعی، مالیات‌های متعارف.

طبقه بندی JEL: H2، H71، K34، P4.